سینما | مهدی قنبر

فیلمی در نکوهش مصادره‌کنندگان انقلاب

فیلم سینمایی «مصادره» سرشار از جزئیاتی است که مصادیق عینی و ملموس آن را در سال‌های پس از انقلاب می‌توان سراغ گرفت. چهره‌های انقلابی، احزاب چپ سنتی و مجاهدین، ملی‌گراها و مذهبیان از این شمار هستند.

درواقع مصادره درباره گذشته و آینده نسلی است که بعد از انقلاب در خارج از کشور به تباهی کشیده شده است؛ نسلی که دچار بحران هویت شده و هویتش به مصادره رفته است. این فیلم به دلیل کمدی بودن و با به‌کارگیری عنصر اغراق و کاریکاتور، موقعیت افرادی مانند شخصیت‌های اصلی قصه (اسی یارجانلو، خاوندی) به نمایش چهره هایی که نماینده احزاب گوناگون هستند، می‌پردازد و می‌کوشد تا تمامی عناصر کمدی گروتسک یعنی ناهماهنگی، خنده‌آوری و خوفناکی، افراط و اغراق، نابهنجاری و کاریکاتور را در فیلم به نمایش بگذارد.

مصادره برخلاف نظر کارگردان اثری صرفاً انسانی نیست بلکه کمدی است که اشارات نسبتاً دقیق سیاسی از چهره‌ها، احزاب، وقایع و اتفاقات سیاسی دوره خاصی از تاریخ انقلاب را می‌دهد. لایه رویی فیلم «مصادره» داستان ایرانیان مقیم خارج است که در اوایل انقلاب به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی یا ترس از مجازات احتمالی کشور را ترک کرده‌اند.

مصادره ابتدا با معرفی اسماعیل یارجانلو مأمور خرید ساواک آغاز می‌شود. او کسی است که در ظاهری ساده، بی‌خبر از رخدادها و اتفاق‌های جامعه و انقلاب است. انتخاب چنین شخصی به‌جز خلق موقعیت‌های کمدی و عنصر اغراق بر این نکته تأکید دارد که در جریان اتفاق‌های پس از انقلاب افرادی بودند که جرمی مرتکب نشده بودند ولی از ترس جانشان کشور را ترک کرده‌اند و در این میان با مشکلات فراوانی هم روبه‌رو شده‌اند. از سوی دیگر آنها همواره بیم مصادره اموالشان را نیز در کشور داشته‌اند. این حرف فیلم صرف‌نظر از اینکه سازندگان اثر چه کسانی هستند در نگاه نخست به نظر عبور از خط قرمز به‌حساب می‌آید. وجه دوم فیلم «مصادره» به ناملایماتی که برای شخصیت اصلی قصه و گروهی از ایرانیان پیش می‌آید، بازمی‌گردد. فیلم معتقد است این گروه از ایرانیان خارج از کشور دچار نوعی بی‌هویتی و مشکلات اقتصادی هستند و به دلیل غم نان در کشوری غریب به‌ناچار تن به پذیرش حضور در گروه‌های معاند و مخالف نظام می‌دهند.

وجه سوم فیلم تعبیر فیلمساز از مصادره در مفهوم خاص آن است، یعنی چهره‌ها و شخصیت‌هایی که در داخل انقلاب و به گفته شخصیت بازجو، نفوذی‌هایی هستند که رنگ عوض می‌کنند فیلم در لایه‌های زیرین و با استناد به نام اثر، این نکته را گوشزد می‌کند که این افراد در طول سال‌ها کوشیده‌اند انقلاب را به نفع خود مصادره کنند. آنها همان کسانی هستند که با تندروی‌های کور، عامل فرار افرادی مانند یارجانلوها به‌عناوین مختلف شده‌اند و امروز پس از سال‌ها که از انقلاب گذشته یا خسته شده‌اند یا اهداف و آرمان‌هایشان رنگ‌باخته و قصد پیاده شدن از قطار انقلاب را دارند، پس با اختلاس‌های میلیاردی و فروش اموال مصادره شده از کشور متواری می‌شوند، از این رو فیلم می‌کوشد تا به آسیب‌شناسی این رخداد سیاسی و اقتصادی نیز بپردازد.

فیلم «مصادره» بر این نکته تأکید می‌کند که مشکل افرادی مانند یارجانلوها اشتباهات خودشان است. در سکانس پایان فیلم نیز یارجانلو با انبوهی از مشکلات رها می‌شود تا برای بازپس‌گیری ملکش در کشور اقدام کند. به این ترتیب مشکلات او به اتمام نرسیده و اکنون در آغاز راه است.

بنابراین برخلاف ظاهر فیلم، «مصادره» از هیچ خط قرمزی عبور نمی‌کند و حرف جدیدی را در قالب کمدی گروتسک نمی‌زند. حرف اصلی و هدف نهایی فیلم نمایش دربه‌دری‌های اسی یارجانلو و مشکلات ایرانیان خارج از کشور یا علت خروج آنها نیست، حتی هدف آسیب‌شناسی فعالیت گروه‌های سیاسی در برهه‌ای از زمان هم نیست بلکه مهم‌ترین حرف فیلم «مصادره» به‌کارگیری این لفظ در معنای مفهومی و خاص آن است، یعنی بیان این مطلب که چگونه در این سال‌ها افرادی نفوذی مانند خاوندی یا بهتر بگوییم خاوری‌ها به درون سیستم نفوذ کرده‌اند و قصد مصادره انقلاب را داشته‌اند و چه آسیب‌هایی بر پیکره انقلاب وارد کرده‌اند و در نهایت نیز چگونه با ثروت ملی از کشور متواری شده‌اند. همچنین این افراد در جریان انقلاب نیز با تندروی‌هایشان باعث خروج بسیاری چهره‌ها و شخصیت‌ها از کشور شده‌اند، البته فیلم در پایان و به شکل کمدی راه‌حل بازگشت آنان را نیز ارائه می‌دهد که بهتر است کسانی که در این میان متضرر شده‌اند اختلاسگران را به صورت قاچاقی و شبانه به مرز مکزیک تحویل دهند.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۳۴۹ | دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۷ | ۲۹ رجب ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۳:۰۴ |
غروب آفتاب: ۱۹:۳۸ | اذان مغرب: ۱۹:۵۷ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۹ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۱ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۹ |

حکمت

حکمت ۳۲۷

کسی که با توسل به گناه پیروز شود پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند(درواقع) مغلوب است.

فرزاد مؤتمن در گفت‌وگو با «جوان»:

همیشه به مسئله فلسطین حساس بوده‌ام

■ جواد محرمی

در حالی که بخش عمده‌ای از سینمای ایران چه در حوزه تولید فیلم و چه در اعلام مواضع همواره از کنار موضوعات مهم منطقه‌ای مبتلابه کشور با بی‌اعتنایی عبور کرده و چشم خود را به روی این مسائل بسته است این بار یکی از فیلمسازانی که اساساً از او انتظاری برای موضع‌گیری درباره حملات موشکی امریکا و متحدان اروپایی‌اش به سوریه نمی‌رفت طی یادداشتی به این مسئله واکنش نشان می‌دهد. فرزاد مؤتمن در یادداشتی که آن را مزین به درج هشتگ مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل کرده با تیتر «دیگر بالماسکه تمام شد»، می‌نویسد: «اگر تاکنون حکومت‌های امپریالیستی، خود را پشت ارتش‌های دست‌سازی از نوع «داعش» پنهان کرده بودند، امروز با اضمحلال تقریبی این شبه نظامیان دست‌ساز در عراق و سوریه، حالا امریکا، انگلستان و فرانسه خود دست به حملات هوایی مشترک علیه این ملت مصیبت زده می‌زنند تا نشان بدهند که جنگ سوریه، جنگ «ناتو» است. بالماسکه داعش تمام شد، امپریالیست‌ها نقاب از چهره شان برداشتند تا «پوکرباز» بازی کنند و آشکارا کشوری جنگ زده را مورد تهاجم قرار بدهند و ثابت کنند که مسئله «تسلیحات اتمی و هسته ای» نیست، مسئله امنیت اسرائیل است. گفت‌وگوی «جوان» با این فیلمساز را به همین بهانه می‌خوانید.

موضع شما به عنوان یک فیلمساز درباره حمله موشکی امریکا و متحدانش به سوریه غافلگیر کننده بود. از کجا به این دیدگاه رسیدید؟

من خیلی آدم سیاسی نیستم، اگر زمانی هم موضعی اصولی درباره برخی مسائل سیاسی گرفتم برخی به من فحش دادند که تو جیره‌خواری یا حتی عده‌ای در مقطعی گفتند چپی هستی و از این حرف‌ها ولی واقعیت این است که من همیشه به موضوع فلسطین حساس بوده‌ام و به آن واکنش نشان داده‌ام. اساساً همیشه به مسئله جهان اعراب و منطقه حساسم و هیچ گاه بی‌طرف نبوده‌ام. در اینستاگرامم مواضع ضداسرائیلی زیاد دارم. درباره حملات امریکا به سوریه واقعیت این است که بودن یا نبودن بشار اسد حقی است که باید مردم سوریه درباره آن تصمیم بگیرند و امریکا، فرانسه و انگلیس هیچ حقی در این زمینه ندارند. این منطق را هر آدم منصفی قبول می‌کند. من همیشه از اینکه امریکا و متحدان غربی‌اش به منطقه ما از جمله افغانستان، عراق، خلیج فارس و جاهای دیگر تجاوز نظامی کرده‌اند به عنوان آدمی که در منطقه زندگی می‌کنم و ریشه در این منطقه دارم احساس خوبی نداشته‌ام. منطقه جنوب غرب آسیا متعلق به مردم این منطقه است اما امریکایی‌ها همواره این منطقه را ناامن کرده‌اند تا حضور خودشان را توجیه کنند. در دوره اوباما بیشترین سلاح به عربستان فروخته شد. جالب است که به او جایزه صلح نوبل داده‌اند. مگر می‌شود این صحنه‌های مضحک را دید و منصفانه قضاوت نکرد.

مؤتمن: من همیشه به موضوع فلسطین حساس بوده ام و به آن واکنش نشان داده ام. اساساً همیشه به مسئله جهان اعراب و منطقه حساسم و هیچ گاه بی‌طرف نبوده ام. در اینستاگرامم مواضع ضداسرائیلی زیاد دارم

چرا هیچ‌وقت درباره آن فیلم نساختید؟

چون همیشه فکر می‌کردم آدم‌های معتقدتر و به اصطلاح مدعی‌تری در این عرصه وجود دارند و من خودی محسوب نمی‌شوم. دیگرانی هستند که باید بسازند و لابد می‌سازند. چون فکر می‌کردم باید آدم ارزشی باشم تا به من اعتماد کنند و فکر می‌کردم در اشل و چارچوب ارزشی‌ها جای نمی‌گیرم، چون در این زمینه ادعایی هم ندارم، البته به من پیشنهاد شد در مقطعی درباره عراق فیلم بسازم ولی چون فکر می‌کردم شناخت خوبی ندارم پرهیز کردم. معتقدم اگر قرار است هزینه‌ای شود باید کار تأثیرگذاری باشد وگرنه عده‌ای هم هستند که از این مسائل کاسبی می‌کنند. هزینه می‌کنند و چون نیت مادی دارند کار خوبی ارائه نمی‌دهند.

در آخرین فیلمتان ژانر پلیسی معمایی را تجربه کردید؛ ژانری که می‌تواند مقداری به سینمای اکشن هم تنه بزند.

سینمای اکشن را دوست دارم. اگر در این ژانر زیاد نساختم چون فیلمنامه خوبی به دستم نرسیده تا انگیزه پیدا کنم. برخلاف خیلی‌ها برای پول فیلم نمی‌سازم. برای دلم فیلم می‌سازم. باید متقاعد شوم که وقت و هزینه‌ای که می‌کنم درست است وگرنه ورود پیدا نمی‌کنم.

هیچ‌وقت علاقه به ساخت فیلم جنگی داشته‌اید؟

جنگ را از نزدیک لمس کرده‌ام، سال‌های ابتدایی جنگ در آبادان بودم، البته باز هم تأکید می‌کنم هیچ گاه آدم به اصطلاح ارزشی به آن معنا نبوده‌ام.

سینمای ایران در حال حاضر در چه جایگاهی قرار دارد؟

به سینمای صنعتی اعتقاد دارم. الان مردم به سینما می‌روند تا تعدادی راش یا سلبریتی ببینند. وقتی شما برای فروش فیلم سلبریتی را می‌گذارید پشت پیشخوان بلیت فروشی و مردم را خبر می‌کنید تا به هوای دیدن او به سینما بروند یعنی فیلم شما قادر به جذب مخاطب نیست و از راه‌های مصنوعی می‌خواهید گیشه را فتح کنید. این نوعی کاسه گدایی گرفتن از طریق سلبریتی‌هاست. یک نوع انحراف از سینماست. وقتی شما چند راش گرفتید و آن را پشت سر هم چیدید بدون اینکه قصه منسجم و کارگردانی قابلی ارائه دهید اساساً به سینما لطمه زده‌اید. الان اوضاع طوری شده که از یک دهه پیش بخش خصوصی مشکوکی به سینما ورود کرده‌اند و به فکر صید ماهی خود از این بلبشو هستند. تهیه کننده‌ها و کارگردان‌هایی که یک شبه پیدا شدند و پس از مدتی هم برخی از آنها ناپدید می‌شوند. این اوضاع به خاطر مدیریت ضعیف و نداشتن نگاه و رویکرد و سیاست و راهبرد دقیق در سینماست. برخی مدیران فکر می‌کردند اگر صرفاً پای بخش خصوصی را به سینما باز کنند همه چیز به طور عادی سروسامان پیدا می‌کند. اینها نگاه‌شان اصالت پول و سرمایه است و فکر می‌کنند سرمایه به طور خودکار کارها را سامان می‌دهد ولی سینما سیاستگذاری درست و فکر و ایده فرهنگی مناسب نیاز دارد.

سینمای ایران چقدر منطبق با منافع ملی در نسبت با موضوعاتی چون حضور و تجاور نظامی امریکا در منطقه ما موفق عمل کرده است؟

در این باره خیلی ضعیف عمل شده است. اساساً سینمای ایران مگر در مواردی معدود چنین دغدغه‌ای نداشته است.

جشنواره جهانی فیلم تا چه اندازه با توجه به مسائل مبتلابه منطقه‌ای و جهانی اطراف ما توانسته جریان ساز و اثرگذار گام بردارد؟

به نظرم امسال کارهایی دارد انجام می‌شود. حضور فیلمسازی مانند الیور استون در تهران نشان می‌دهد که جهت‌گیری تا حدی حداقل در رابطه با دعوت میهمان درست انجام شده است. ژان پیرلئو نیز سینماگری است که من خودم با او خاطرات زیادی دارم و علاقه خاصی به او دارم.

جشنواره جهانی فجر رویکرد مشخصی مانند جشنواره‌های بزرگی چون کن، برلین یا ونیز دارد یا نه؟

خب همین بخش زیتون‌های زخمی نشان می‌دهد که این رویکرد وجود دارد.

زیتون‌های زخمی یک بخش جنبی است، منظورم رویکرد کلی جشنواره است.

شاید در این رابطه بتوان به جشنواره جهانی ایراد گرفت. این ضعف هم به این برمی‌گردد که این جشنواره از ابتدا کاملاً دولتی و بدون رویکرد و هدف مشخص برگزار شده است. اگرچه نام فجر را یدک کشیده اما هرگز نتوانسته نسبت خود را با این واژه مشخص کند. جابه‌جایی‌های مدیریتی هم بر این وضع اثرگذار بوده است، ضمن اینکه جشنواره برای خودش چشم انداز معین نکرده است.

نما | حسین کشتکار

پخش بخش‌های خبری «صدای امریکا» از یک سایت داخلی

ارشاد چشمش را به روی بلندگوهای ترامپ در ایران بسته است

■ محمدرضا بیهقی

یک سایت اشتراک ویدئو اقدام به پخش بخش‌های خبری شبکه‌های غربی در قالب بسته‌های ویدئویی می‌کند. در حقیقت با پخش این تصاویر قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای دور زده شده و به طور مستقیم امکان دیده شدن شبکه‌های خبری ضدایرانی فراهم می‌شود.

دسترسی به سایت‌های اینترنتی رسانه هایی مانند «صدای امریکا» که رسانه دولتی متعلق به دولت ایالات متحده امریکاست، در ایران ممنوع و مسدود شده است. این اقدامی طبیعی در مقابل رسانه‌ای است که اخبار مغرضانه و ایران‌ستیزانه را تولید و پخش می‌کند و از هر اقدام رسانه‌ای برای ضربه زدن به کشورمان فروگذاری نمی‌کند. در عوض این ممنوعیت یک سایت اینترنتی داخلی که وظیفه‌اش اشتراک گذاری ویدئو است، بخش‌های خبری صدای امریکا را منتشر می‌کند. با این کار این سایت به بخشی از دستگاه رسانه‌ای صدای امریکا تبدیل شده است. طبق قوانین کشور همکاری با رسانه‌های معاند جرم است.

آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه در جمع مسئولان عالی قضایی کشور، به صراحت می‌گوید: «در عناد و دشمنی برخی رسانه‌ها در خارج از کشور تردیدی نیست، اما کسانی که از داخل کشور به این قبیل رسانه‌ها کمک می‌کنند باید به عنوان معاونت در جرم تحت تعقیب قرار بگیرند تا مرز بین انقلاب و ضدانقلاب مشخص شود. متأسفانه برخی از افراد در داخل با این رسانه‌ها مصاحبه و به نحوی به آنها کمک می‌کنند و در عین حال طلبکار هم هستند.» در اولین برخورد با این سایت که پیش از این نیز سابقه انتشار ویدئوهای مغرضانه‌ای از جمله ویدئویی را که در آن به وهن مقام معظم رهبری پرداخته شده بود دارد، این سؤال پیش می‌آید که چه مرجع قانونی بر فعالیت چنین سایتی نظارت دارد؟ سایت‌های اشتراک ویدئو موظفند مجوز فعالیت خود را از وزارت ارشاد دریافت کنند. اگرچه خیلی از این سایت‌ها حیات دوزیستانه‌ای دارند و در عین اینکه به اشتراک ویدئو می‌پردازند، شروع به تولید و پخش برنامه می‌کنند که آنها را ذیل تعریف شبکه تعاملی قرار می‌دهد که مجوز آن را سازمان صداوسیما صادر می‌کند. در بخش اول که سایت اقدام به اشتراک ویدئو می‌کند، معمولاً کاربران با ثبت نام و تأیید هویت می‌توانند در سایت اقدام به بارگذاری ویدئو کنند؛ ویدئویی که به تأیید سایت می‌رسد و بعد از آن در خروجی قرار می‌گیرد. نکته جالب اینکه در بخش قوانین بارگذاری ویدئو بر مواردی چون «مغایرت نداشتن با شئونات اخلاقی و عرف جامعه»، «اهانت آمیز نبودن به مقامات سیاسی»، «نداشتن موزیک متن غیرمجاز» و... تصریح و در نهایت تأکید شده که سایت «تابع کلیه قوانین موضوعه کشور» است. در این سایت قرار دادن ویدئوهای رسانه‌های ضد انقلاب محدود به «صدای امریکا» نمی‌شود. در یک جست‌وجوی ساده چندین عنوان ویدئو از صدای امریکا و دیگر رسانه‌های غربی در این سایت دیده می‌شوند، حتی ویدئوهای تولید شده توسط سایت‌های ضد انقلاب برای تخریب جمهوری اسلامی در سایت بارگذاری شده و در بخش «کامنت»ها نیز بازدید کنندگان سایت اقدام به توهین به جمهوری اسلامی کرده‌اند و مدیریت سایت نیز اجازه انتشار آن را داده و حتی بعد از انتشار نیز اقدام به حذف این محتواهای غیر قانونی نکرده است. در این سایت حتی می‌توان ویدئو هایی در ستایش از «پهلوی» مشاهده کرد و جای تعجب نیست در جایی که زبان به مدح رژیم گذشته باز شود عده‌ای نیز از سر ناآگاهی یا اغراض سیاسی آمده و در ستایش پهلوی کامنت بگذارند و سایت مذکور نیز که ادعا می‌کند طبق قوانین جمهوری اسلامی کار می‌کند، آن را منتشر می‌کند! می گویند مرد قصاب روی شیشه قصابی نوشت نجاری، وقتی از او دلیل این کار را پرسیدند گفت برای دور کردن مگس‌هاست. اینجا هم انگار درج این جمله که سایت طبق قوانین جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند، دستاویز خوبی برای خلاصی از دست نظارت بر محتوای منتشر شده در سایت است. اگر وزارت ارشاد بر فعالیت سایت‌های اشتراک ویدئو به درستی نظارت داشت، این حجم از قانون گریزی رخ نمی‌داد!

ایرانمنش:

مشکل امروزم بیماری نیست، بیکاری است

رضا ایرانمنش بازیگر سینما و تلویزیون از مشکلات کنونی جامعه بازیگران و بیکاری سخن به میان آورد.

ایرانمنش در ارتباط با وضعیت بیماری خود گفت: خوشبختانه اوضاع جسمانی بنده خوب است و هیچ مشکلی ندارم، اما اصلی‌ترین مشکل امروز من و بسیاری از همکارانم بیکاری و عدم امنیت شغلی است که متأسفانه مدیران متولی امر به آن بی توجه هستند. وی افزود: اکثریت هنرمندان این روزها با بیکاری دست و پنجه نرم می کنند و تنها عده خاصی سرکار هستند که البته شاید در سایر مشاغل هم این ضعف و خلأ وجود داشته باشد ولی در حوزه فرهنگ و هنر این مسئله بسیار پررنگ است.

ایرانمنش با اعلام اینکه طی سالیان اخیر دولتمردان و متولیان امر هیچ اقدام مثبت و کاربردی برای هنرمندان انجام نداده‌اند، گفت: باید نمایندگانی از جامعه هنرمندان در مجلس شورای اسلامی و حتی شهرداری حضور داشته باشند تا نگاه به هنرمندان حمایتی شود. متأسفانه مدیر متخصص از جامعه هنر نداریم که هنردوست یا هنرشناس باشد، همین مسئله خیلی به ضرر هنرمندان تمام می‌شود.

این بازیگر با اعلام اینکه باید در شورای شهر نمایندگانی از جنس ورزش و هنر حضور داشته باشند، خاطرنشان کرد: در پشت حق و حقوق شهروندی مباحث زیادی است که باید توجه بیشتری به آن صورت بگیرد و باید در تمام تصمیمات اجتماعی، سیاسی، شهری یک نگاه فرهنگ سازی وجود داشته باشد. براساس همین فرهنگسازی است که می‌توانیم سرمایه سازی کنیم پس باید به جامعه هنرمندان توجه بیشتری شود.

وی در ادامه بیان کرد: متأسفانه در بسیاری از مراکز دولتی جای هنرمندان خالی است. باید شرایط حضور هنرمندان در این ادارات و نهادهای تصمیم گیرنده مهیا باشد تا نماینده جامعه هنرمندان هم به مباحث فرهنگی و هنری به عنوان یک متخصص ورود پیدا کند.

رضا ایرانمنش در ارتباط با حمایت بازیگران از طیف‌های مختلف سیاسی در ایام انتخابات ریاست جمهوری، تصریح کرد: هنرمند نباید گرایش سیاسی داشته باشد، ولی متأسفانه طی ادوار مختلف انتخابات همواره جامعه هنری هم مانند مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند و برای کاندیدای طیف مورد علاقه خود تبلیغ می‌کنند که جامعه هنر همواره از این ناحیه ضربه خورده است، البته شاید عده خاصی موفق به گرفتن امتیازات فراوانی شوند ولی در مجموع جامعه هنر از وقوع این اتفاقات آسیب می‌بینند که شکل گیری این مسئله خوشایند افراد نیست و باید توازن حداقل در این موارد رعایت شود.

تلویزیون

آغاز ساخت دکورهای سریال «صیاد شیرازی»

نویسنده سریال شهید «صیاد شیرازی» گفت: به طور قطع برای برخی بخش‌های زندگی شهید مثل عملیات مرصاد و بیت‌المقدس دکورسازی داریم.

«فرهاد توحیدی» نویسنده سریال «شهید صیاد شیرازی» در گفت‌وگو با فارس، گفت: متن‌های این سریال ۳۰ قسمتی در حال بازنویسی است و در حال حاضر منتظر نظر تلویزیون هستیم که در شش ماه دوم امسال وارد مرحله پیش تولید شویم.

وی با اشاره به اینکه در این سریال بیشتر روی قصه زندگی کاری شهید صیاد شیرازی متمرکز بوده است، افزود: در این سریال بیشتر روی زندگی کاری این شهید تمرکز داشتیم و بعد روی زندگی شخصی او. این نویسنده همچنین بیان داشت: اگر بخواهیم این سریال را با سریال «شوق پرواز» مقایسه کنیم، باید بگویم که در آن سریال بخش کودکی و نوجوانی شهید بابایی را هم می‌دیدیم اما در اینجا مخاطب بیشتر زندگی کاری و حرفه‌ای شهید صیاد شیرازی را خواهد دید.

وی درباره جذابیت‌های داستان این سریال نیز گفت: آنچه این سریال را برای مخاطب و خود ما جذاب می‌کند پیوند زمان زندگی او با پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

توحیدی در ادامه بیان داشت: همین موضوع سختی کار نگارش و تولید را دوچندان می‌کند و به همان نسبت نیز شیرین و جذاب خواهد بود. دغدغه خودم به این سمت بود و خوشبختانه موضوع این سریال نیز این مجال و موقعیت را در اختیارم قرار داده است. این نویسنده در ادامه با اشاره به لوکیشن‌های این سریال، گفت: این سریال بر اساس داستانی که دارد لوکیشن‌های مختلفی خواهد داشت. تهران، کردستان، اصفهان و جنوب کشور از لوکیشن‌های اصلی این سریال هستند. وی درباره دکورسازی برای لوکیشن‌های این سریال نیز بیان داشت: به طور قطع برای برخی بخش‌هایی مثل عملیات مرصاد و بیت المقدس دکورسازی داریم. مراحل تحقیق و نگارش فیلمنامه این سریال از سال ۹۰ به قلم فرهاد توحیدی شروع شده و قرار است تولید این مجموعه از نیمه دوم سال ۹۷ آغاز شود.

عرضه کتاب «وقتی مهتاب گم شد» در قالب‌های جدید

انتشارات سوره مهر در نظر دارد با توجه به استقبال مخاطبان از کتاب «وقتی مهتاب گم شد»، این اثر را در قالب‌های جدید در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در سال ۹۷ عرضه کند.

کتاب «وقتی مهتاب گم شد» نوشته حمید حسام، از جمله خاطرات ماندگار از هشت سال دفاع مقدس است که روایتگر خاطرات بلدچی ۱۶ ساله جنگ، شهید علی خوش‌لفظ است. این اثر تلاش دارد با استفاده از دیالوگ و بیشتر بر مبنای توصیف جزئیات و صحنه‌پردازی، خاطراتی از جنگ را روایت کند. کتاب همانند بسیاری دیگر از آثار با بهره‌گیری از عناصر داستان‌نویسی، نثری روان و جذاب دارد که با کارهای اولیه حسام تفاوت چشمگیری دارد. حسام در این سال‌ها تلاش کرده تا با ثبت خاطرات همدانی‌های حاضر در جنگ، چهره فرماندهان و تأثیرگذاران این شهر در جنگ را بیشتر معرفی کند. در نظر گرفتن آثار او در کنار خاطراتی که دیگر نویسندگان همدان از سربازان و زنان این شهر در این سال‌ها منتشر کرده‌اند، می‌تواند در فهم تأثیر جنگ بر یک شهر کمک کند. «وقتی مهتاب گم شد» نیز چنین خاصیتی دارد. کتاب شامل خاطرات جمشید(علی) خوش‌لفظ، از حاضران در جنگ است. نویسنده ابتدا مخاطب را به کوچه کوچه پس کوچه‌های محله شترگلو می‌برد و با شیطنت‌های راوی و به قول معروف آتش سوزانده‌های او آشنا می‌کند. خاطرات از دوران کودکی آغاز و تا زمانی که انقلاب می‌شود، ادامه می‌یابد و پس از آن، با مهم‌ترین بخش زندگی راوی که همان جبهه است، آشنا می‌شویم. رهبر معظم انقلاب در تقریظی بر این اثر نوشته‌اند: راوی، خود شهیدی زنده است. تنِ به‌شدت آزرده او نتوانسته از سرزندگی و بیداری دل او بکاهد و الحمدلله رب العالمین نویسنده نیز خود از خیل همین دلدادگان و تجربه‌دیدگان است. بر او و بر همه آنان گوارا باد فیض رضای الهی. ان‌شاءالله درباره نگارش این کتاب، آنچه نوشتم کم است، لطف این نگارش بیش از اینهاست. مقدمه کتاب یک غزل به تمام معنی است.

رهبر معظم انقلاب همچنین در جلسات متعدد به این اثر اشاره کرده و مطالعه آن را توصیه فرموده‌اند. کتاب «وقتی مهتاب گم شد» تاکنون با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه بوده است، به طوری که این کتاب در آستانه چاپ سی‌ام قرار دارد. به همین منظور انتشارات سوره مهر این اثر را در قالب‌های جدید در نمایشگاه کتاب تهران در سال جدید عرضه خواهد کرد. کتاب گویا از این اثر با صدای محمد حسن عشقیان تولید شده است. همچنین عرضه کتاب در قالب فلش بوک از دیگر برنامه‌های سوره مهر الکترونیک برای ایام نمایشگاه است.